

چکیده

شخصیت به همراه پیرنگ محوری‌ترین و مهم‌ترین عناصر داستانی به شمار می‌آید. عنصر شخصیت در ادبیات داستانی قدیم و جدید عنصری ثابت و با اهمیت بوده، و سنگ بنای اثر ادبی را تشکیل می‌دهد. در بیان اهمیت شخصیت داستانی همین بس که اگر در داستان، شخصیت وجود نداشته باشد، ماجرای اتفاق نخواهد افتاد. شخصیت‌ها در متون داستانی به دو روش مستقیم و غیرمستقیم پردازش می‌شوند. هزار و یک شب طسوجی که یک اثر داستانی به حساب می‌آید نسبت به عنصر شخصیت همانند دیگر عناصر داستان، ژرف نگری و دقتی بسیار داشته است. هدف از این پژوهش، بررسی شخصیت و شخصیت‌پردازی در پنجاه داستان سوم هزار و یک شب توانایی و هنر طسوجی در داستان و راهی برای نشان دادن اندیشه‌های والای این نویسنده بوده است؛ نتایج حاصل نشان می‌دهد که طسوجی از انواع شخصیت‌های پویا و ایستا در داستان خود استفاده کرده است. او با معرفی شخصیت‌ها به روش مستقیم و غیرمستقیم و تلفیقی آن‌ها را پردازش کرده است و از شیوه‌های مختلفی در شخصیت‌پردازی بهره گرفته است.

کلید واژه‌ها: ادبیات داستانی، شخصیت، شخصیت‌پردازی، هزار و یک شب.